

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

رحمانی پیکار جو
۰۵ جنوری ۲۰۱۹

کارنیوال انتخابات افغانستان، نمونه دیگری از دموکراسی سرمایه!

دست اندر کاران نظام سرمایه داری و روشنفکران ارگانیک این نظام با مطرح ساختن پدیده هائی چون دموکراسی و انتخابات آزاد و راه اندازی پیکارهای انتخاباتی و مناظره های هیجان برانگیز کاندیداهای ریاست جمهوری در کشورهای خویش چنان وانمود می نمایند که گویا همچو پدیده هائی نشان دهنده واقعیتهای عینی جامعه و زمینه های معمول و مسیرهای طبیعی دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی می باشد و از همه می خواهند تا در آن شرکت ورزیده و سهم "ایمانی و وجدانی و میهنی" خویش را در رسیدن به "رفاه و آزادی" اداء نمایند مگر خلاف این توهم آفرینی ها با اندک دقت می توان دید که در رژیم های کنونی حاکم بر جهان که یکسره طبقاتی بوده و گردانندگان آن را سرمایه داران یعنی همان بورژواها تشکیل می دهند، طبقات بورژوازی حاکم در جهت فریب و سرکوب و تحمیق توده های مردم از شیوه های مختلف استفاده می نمایند که مذهب، ناسیونالیسم، وطن پرستی و دیگر مقوله های بورژوازی از قبیل دموکراسی پارلمانی و انتخابات آزاد از آن جمله می باشد.

امروزه با پسوند های متنوع و «دموکراسی» مقوله زرق و برقهای فراوان به خورد مردم دنیا داده می شود و در بسا از موارد معادل و مرادف با «آزادی می» قلمداد گردد، یکی از برجسته ترین موارد فریب و اغوای توده ها بوده و به جای تحقق بخشیدن به آرمان والای آزادی عکس آن یعنی اِسارت، انقیاد و فرمان برداری را در جامعه نهادینه می سازد و باعث آن می شود تا پروسه زشت از خود بیگانگی انسان پابرجا مانده و کماکان ادامه یابد. زیرا دموکراسی در بهترین حالت خود نمی تواند در هیچ یک از عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بازتاب دهنده خواست اکثریت جامعه باشد.

به این دلیل که در جوامع طبقاتی اقلیت جامعه- بورژوازی – همه اهرم های قدرت را در دست داشته و هرگز حاضر نیست تا با رأی اکثریت جامعه حاکمیت خود را به مردم و به خصوص طبقه کارگر تفویض نماید. آنچه در این میان روی می دهد این است که حاکمیت اصلی جامعه در دست بورژوازی می باشد و مردم با شرکت در انتخاباتی فرمالیته تنها مهره های این حاکمیت را تغییر می دهند و در سمت و سو بخشیدن به حاکمیت اصلی جامعه نقشی ایفاء کرده نمی توانند.

در پارلمان هائی که با تطبیق دموکراسی نمایندگی تشکیل می گردد جایی برای نمایندگان واقعی طبقه کارگر و جود نداشته و در جلسات و بیانیه های اعضای آن از انگشت گذاشتن روی پایه های اصلی تبعیض و نابرابری در جامعه

یعنی مالکیت خصوصی و بردگی مدرن و نوین یعنی کارمزدی حرفی و نشانی در میان نیست و تنها هدفی که در ورای قال و قیلا و جنجالها و پرخاشهای لفظی داغ و پرشوری که در جلسات این پارلمانها نهفته است همانا مشروعیت بخشیدن به تحکیم و ادامه حاکمیت بورژوازی است و بس ، لذا با تأکید می توان گفت که : منظور بورژوازی از دموکراسی در واقع تأمین آزادی برای اقلیتی در جامعه است و این مقوله با هر مدل و پسوندی که ارائه گردد ساخته دست بورژوازی بوده و به جز چیره شدن و لجام زدن «مؤدبانه» و «قانون مدار» و «متمدنانه» بر اعتراضات کارگران و زحمتکشان جامعه و مشروعیت بخشیدن به انواع وحشی گریها ، جنایات و استثمار نظام سود و سرمایه هدف دیگری را با خود حمل نمی کند.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که جنبش چپ افغانستان متأسفانه تا همین اکنون در منجالب دموکراسی خواهی و «مبارزات» دموکراتیک، ملی ، وطن پرستانه و استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی دست و پا می زند و با اشتراک در کمپاینهای انتخاباتی و پادوی و خوش خدمتی آگاهانه و هدفمند و یا هم ناآگاهانه و ابلهانه برای این یا آن کاندیدای ریاست جمهوری عملاً خود را مسخ هویت نموده و توانائی آن را ندارد تا از چنبره از خود بیگانگی پا برون نهاده و در مسیر مبارزه و پیکار در راه رسیدن به برابری واقعی یعنی سوسیالیسم کارگری و مارکسی به مثابه آرمان میلیونها انسان محروم و زحمتکش در افغانستان و جهان و رسیدن به آزادی واقعی طی طریق نماید . تعریف آزادی برای سوسیالیستها و کمونیستها هرگز بر مبنای تعریفی که در دموکراسی و نظام سرمایه داری از مفهوم آزادی و جود دارد استوار نبوده و نیست. آزادی خواهی در کمونیسم به معنای واقعی آن و برای همه افراد جامعه است . در جوامع سوسیالیستی و کمونیستی واقعی و نظام مند تمام مرزها و اختلافات طبقاتی به تدریج برداشته می شود ، و این برابری و آزادی همگان است که از طریق شوراهای مردم بر جامعه حاکم می شود، یعنی رهائی اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی از همه قید و بندها برای همه انسانها.

با در نظر داشت آنچه گفته آمد می توان خاطر نشان ساخت که برای بسیاری از روشنفکران و تحصیل یافتگانی که گرایشات و تمایلات مردمی را نیز در دلهایشان می پروراند ، پروسه دیموکراسی بورژوازی و پارلمانی ظاهراً عادلانه و حل کننده مشکل ها و دشواریهای جامعه به نظر می رسد . ولی و درواقعیت جز فریب و تزویر چیز دیگری بوده نمی تواند. پارلمانها در حقیقت نهاد هائی هستند که برای تشکیل و به راه اندازی آن مردم عادی تشویق می شوند تا به پای صندوقهای رأی رفته و قدرت و صلاحیت خویش را به نمایندگانی تفویض نمایند که در آینده از امکاناتی در راستای نظارت بر اعمال و اجراء آنان در تالارها و کرسی های پارلمان و قصر ریاست جمهوری برخوردار نیستند، پس می توان گفت که مقامات ریاست جمهوری و پارلمانی در نهایت حافظ منافع طبقه حاکم سرمایه دار اند نه منافع توده هائی که پای صندوقهای رأی کشانیده می شوند تا حاکمان و استثمار کنندگان خویش را برای یک دوره تازه برگزینند برای اثبات مراتب فوق الذکر نیازی به پژوهش و تحقیق بیشتر نیست زیرا در هنگام انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی کشورمان افغانستان که همین چند هفته پیش به راه افتید و نتیجه اش هنوز پیدان نیست و بگو مگوها و چنگ و دندان نشان دادن ها و راه پیمائی های اعتراضی و تهدید آمیز بر سر نحوه اجراء و کلاه برداری های گسوده ای که در جریان اجرای آن گویا از جانب تیم دولت ساز به ریاست محمد اشرف غنی احمدزی به راه افتاده است هنوز در جریان است ، با چشم سر می بینیم که چطور یکعده آدمها با " تیمهای کاری " خویش و با شعار های عریض و طویل و وعده های ترقی و عدالت و آسایش و رفاه اجتماعی و غیره و غیره پا به عرصه پیکارهای انتخاباتی نهاده اند و با زبان چربی های گوناگون و چهره های حق به جانب خود را خدمت گزاران مردم و قومیت های خویش جامی زنند " قومیت " هائی که دست پخت همین گونه شارلتنها و کلاه باز ها بوده و از هیچ عینیتی برخوردار نیست ؛ اما با در نظر داشت تجاربی که از دوره

های قبلی داریم مطمئناً اینها نیز بعد از آن که به قدرت بر سند جزدزدی، فساد و غصب بیشتر دارائی های عامه چیزدیگری به ارمغان خواهند آورد.

امروز بعد از سپری نمودن آن همه انتخابات های پرزرق و برق و پرهزینه و سرشار از تقلب ها و کلاه برداری ها ما شاهد یک فاصله عمیق طبقاتی در جامعه بوده و به وضاحت تمام می بینیم که اکثریت مطلق جامعه ما در فقر و فلاکت کامل به سر می برند و هزاران تن از معتادان مواد مخدره در زیر پلهای دریای کابل در مجاورت زباله های متعفن و ذلیل تر از حیوانات شب و روز خود را سپری می نمایند و اجساد بسیاری از آنان را که در عالمی از بی کسی و بینوائی جان می دهند سگها می درند و با آن سد جوع می نمایند و از آن گذشته صدها هزار جوان بیکار داریم که اکثریت شان اسناد و شهادتنامه های دانشگاهی به دست داشته و به خاطر آن که حد اقل زنده بمانند حاضراند حتی در عادی ترین کارهای غیر اختصاصی به کارگماشته شوند، مگر چون زمینه های لازم کار فراهم نگردیده است کماکان در بیکاری و نامرادی به سر برده و با گذشت هر روز تعدادشان افزایش می یابد و آنانی هم که موفق به فروش نیروی کارشان می شوند از بام تا شام به خاطر یک لقمه نان در زشت ترین و غیر انسانی ترین شرایط کاری عرق می ریزند و کار می کنند.

باشندگان و لایات و مناطق دور دست کشور از نا امنی و بیکاری به ستوه آمده برای یافتن کار به شهر ها سرا زیر می شوند و از آنجائی که در شهرها نیز از طرف این حکومت " انتخابی " هیچ پلانی برای کاریابی وجود ندارد؛ بسیاری از آنان به زندگی رقتبار و بدون سرپناه در زیر کپه های پلاستیکی در حومه ها و حاشیه های شهرها تن درمی دهند و بسیاری دیگر جهت به فروش رسانیدن نیروی کارشان مجبور به ترک کشور شده و با پذیرش انواع ریسکها و دشواری های خطرناک راهی ایران و پاکستان و تاجکستان و ازبکستان و ترکیه و هندوستان می شوند و در این کشورها نیز در پهلوی تحمل استثمار و بهره کشی سرمایه داران ایرانی و پاکستانی و غیره از نیروی کار و عرق جبین ایشان مجبور اند صدها نوع اهانت و تحقیر ملیتی را نیز بپذیرند و به ذلت و ادبار تن در دهند.

در شرایط کنونی کشور با نظر داشت مناسبات تولید سرمایه دارانه که اساس آن را کار مزدی و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید تشکیل می دهد بسیار خوش باورانه خواهد بود اگر فکر کنیم که انتخابات مسایل ما را حل نماید در حالی که تمامی وسایل تولید به دست عده قلیلی از سرمایه داران قرار داشته و تمام اهرمهای قدرت دولتی و قوه های سه گانه اش در دست این طبقه است، پس کارگران و دیگر اقشار محروم جامعه چگونه می توانند در انتخاباتی پر هزینه که شرط کاندیداتوری آن را داشتن میلیونها افغانی تشکیل داده و گردانندگان آن همه سرمایه داران و نمایندگان شان هستند خود را کاندید نمایند و با آنان به رقابت بپردازند.

نظام بورژوازی برای بیرون رفت از بحرانی که خودش آن را در نتیجه تناقضات ذاتی خویش ایجاد می نماید، هیچ راهی برای پیشکش ندارد و ازین رو جهت فرو نشاندن خشم مردم و خاموش ساختن فریاد های حق طلبانه آنان با وعده های میان تهی و ترفندهای خاص بورژواهای کلاه بردار هر چند سال یک بار " انتخابات " به راه می اندازد تا باشد که ازین طریق مشروعیت خود را حفظ و تداوم استثمار و بهره کشی از نیروی بازو و عرق جبین کارگران و سائر زحمتکشان را تضمین نماید.

برای مقابله با این ترفند ها و نیرنگهایی که در لافه های زیبا و خوشنمائی چون دموکراسی و انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری به خورد مردم داده می شود جز افشاء و پرده برداشتن از روی این شیطنتها و دغلبازی های نظام سود و سرمایه و آگاه سازی توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان و ایجاد تشکلات و اتحادیه ها و سازمانهای کارگری و مردمی و به راه انداختن جنبشهای حق طلبانه و آزادی خواهانه چاره و درمان دیگری در دست نیست.